

۲۰۲۱۱۱۴

به نام ایزدیکتا، دانا و توانا

گرگر و گرگریان در نهان خانه تاریخ

با تحلیل، براساس و احوال تاریخی ارس، جلغاق و لیوارجان

با دیپاچه ای از استاد داریوش پیرنیان

محمد باقر مداحی

سرشناسه: مداحی، محمدباقر، ۱۳۲۸

عنوان و نام پدیدآور: گرگر و گرگریان در نهران خانه تاریخ؛ با تحلیلی بر اوضاع و احوال

تاریخی ارس، جلفا و لیوارجان/ مؤلف محمدباقر مداحی؛ ویراستار: بهنام مرادی

مشخصات نشر: تهران، فرانما، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۲۲۲ ص. مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۰-۴-۹۶-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: آذربایجان- تاریخ- قفقاز- جلفا- لیوارجان- هادیشهر- ایران- روادیان- شدادیان

شناسه افزوده: مرادی، بهنام، ۱۳۵۲- ویراستار

رد بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۱/۳۴۵م۴ DSR۲۰۰

رد بندی دیویی: ۹۵۵/۳

شماره کتبخانه ملی: ۵۵۶۵۰۹۳

آدرس دفتر مرکزی ناشر: تهران، خیابان آزادی، تقاطع رودکی، کوچه رامسر، پلاک ۱

واحد ۳ تلفن: ۶۶۹۴۱۷۰۰-۶۶۹۳۰۲۴۶۹۳

گرگر و گرگریان در نهران خانه تاریخ

با تحلیلی بر اوضاع و احوال تاریخی ارس، جلفا و لیوارجان

مؤلف: محمدباقر مداحی

ویراستار: بهنام مرادی

ناشر: فرانما

نوبت چاپ: اول - اسفند ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: فرانما

حروفچینی و صفحه‌آرایی: فرانما

طرح روی جلد: فرانما

قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال

وبسایت: www.faranama.net

حق چاپ و نشر محفوظ است و هرگونه نسخه‌برداری از آن پیگرد قانونی دارد.

اگر چشمان یک نفر را ببندند و به منطقه‌ای دیگر از شهر به یک اطاق منتقل کنند و چشمان وی را باز کنند و از وی سؤالاتی که مربوط به آن اطاق است مانند میز، صندلی، در، پنجره و... بنمایند پاسخ ایشان صرفاً این است که به آن اشیاء بصیرت دارد و حس می‌کند (معرفت حسی).

اما پاسخ به سؤالاتی راجع به منطقه‌ای که در آن حضور دارد و از چه مسیرها و چهارراه‌ها، کوچه‌ها به آن اطاق منتقل شده مطرح شود، بی‌جواب خواهد بود (معرفت علمی تاریخی).

از این دو مثال، لا محاله، می‌توان به اهمیت نسبی علم تاریخ پی برد، اما تاریخ در مفهوم وسیع‌تر چه فایده دارد؟ این سؤال برای هر پژوهشگر تاریخ باقی است.

نباید ادعا داشت که تاریخ مانند علم طب که سلامتی انسان را در بخش مهمی از بیماری‌ها تضمین می‌کند قابل قیاس است، اما چون نشان می‌دهد مردم پیش از ما چگونه زندگی می‌کرده‌اند و ما را از زندگی کمک و راهنمایی می‌کند بخصوص برای جوانان این فایده را دارد که آنها را زودتر از معمول به سطح عصر خویش می‌رساند. پنجره‌ها را بر روی آنها می‌نشانید و به آنها اجازه می‌دهد، عواملی را که در جهان آنان حاکم بوده و هنوز هست بهتر بشناسند، آن چه را که درخور ترک و ترد است در آنچه شایسته حفظ و نگهداری است تمیز دهند. یک فایده دیگر تاریخ همین است.

در واقع تاریخ تجربه گذشته را به تجربه کنونی ما پیوند می‌دهد و زندگی ما را مؤثرتر و مثمرتر می‌نماید. انسان چون فراموشکار است با ضبط و ثبت وقایع و اسناد تاریخی نسل‌های گذشته و بکارگیری بعدی آنها در دایره ذهن خود دائماً در حال فراگیری است. این همان است که پاسکال معتقد است نسل‌های متوالی می‌توانند به شخص واحدی تبدیل شوند و فقط اقوام وحشی هستند که تاریخ ندارند.

مجموعه‌ای که پیش روی شما خواننده محترم تحت عنوان گرگر و گرگریان در نهان‌خانه تاریخ قرار دارد از کتب و منابع تاریخی مختلف و متنوع تألیف و تحقیق شده است. البته با گذاشتن بر حوزه تاریخ اصولاً کاری بس خطرناک است که گاهاً انسان را در شرایط سخت و دشوار قرار می‌دهد. آن هم موضوعی که حاکی از سرگذشت اقوام و قبایلی باشد که در منابع و کتب تاریخی قدیم و حال، در ارتباط با آنها نظریه‌پردازی مورخین، بسیار اندک است.

اما نگارنده با توجه به عشق و علاقه‌ای که بر نگارش این مجموعه داشته و آگاه بوده که شاید پس از به پایان رسیدن چاپ کتاب، درباره آن حرف و حدیث زیادی مطرح خواهد بود؛ ترس و واهمه به خود راه نداده و با آرامش کامل شروع به نگارش کرده است. از منابع و کتبی که باید استفاده می‌شد، تهیه نموده و برخی از آنها را که خود بر اختیار نداشت و در کتابفروشی‌ها نیز موجود نبود از کتابخانه‌های دولتی استفاده نموده است.

در حین تحقیق و بررسی منابع، متأسفانه هیچ‌گونه میراثی که باستان‌شناسان در کاوش‌های خود از قبیل کتیبه، قلعه سکه، تپه، ساختمان یا کاخ در اختیار تاریخ‌نگار قرار داده باشند، نبود و زبان‌شناسی که احياناً در این حوزه به نام گرگر یا حکام آنان و نظام اجتماعی آن قوه مطالسی بیان کرده باشد، وجود ندارد.

اما از پیچ و خم حوادث و جریانات تاریخی ناهم‌حلیل‌هایی که مثلاً زبان مردم آذربایجان در قرن پنجم هجری قمری چه بوده از کتیبه ناصرخسرو قبادیانی با قطران تبریزی معلوم می‌شود که این زبان با زبان‌های مردم آراسان تفاوت نسبی داشته و... از این تحلیل‌ها می‌توان برداشت کرد که گرگر نیز قصبه‌ای در آذربایجان بوده که مردم آن به زبان باستانی و آذربایجانی تکلم می‌کرده‌اند.

براین اساس تصمیم گرفتم در کنار سایر امور، بخشی از مطالعات خود را به سوابق و اوضاع تاریخی گرگر و گرگریان اختصاص دهم. در این رهگذر کتاب شهرباران گمنام تألیف احمد کسروی را برداشته و بصورت گذرا مورد مطالعه قرار دادم، ناگهان به فصل مربوط به روادیان ازدی و روادیان کردی که پادشاهان این

دو سلسله (ابومنصور وهسودان و ابوالحسن علی لشکری) به وسیله قطران تبریزی شاعر آذربایجانی در قرون چهارم و پنجم هجری قمری مورد مدح و ستایش قرار گرفته بودند، رسیدم؛ در این اشعار مطالبی نوشته شده بود که امیر منصور وهسودان به عنوان پادشاه گرگر و گرگریان نیز معرفی شده بود، اما احمد کسروی به عنوان یک مورخ ارشد و برجسته که ید طولایی در تاریخ‌نویسی داشته در پاورقی صفحه ۱۸۳ کتاب شهریاران گمنام به شدت به رضاعلی خان هدایت طبرستانی - مؤلف مجمع‌الفصحا - می‌تازد و چنین می‌نویسد: گرگری یعنی پادشاه، که گرگری به معنی گاه و تخت است. مؤلف مجمع‌الفصحا که مقصود را از این کلمه نهمید، به خیال خود افسانه خنده‌آوری برای وهسودان ساخته و او را از "مردم گرگر" که آبزی کوچکی در نزدیکی ارس است، دانسته است.^۱

بحث اینجاست که احمد کسروی اشعار قطران را به عنوان یک سند مهم تاریخی در شرح حال خاندان روادیان ازدی و روادیان کردی مورد استفاده قرار داده بود چگونه در شرح حال ابوالحسن علی لشکری که از سلسله شدادیان با مرکزیت گنجه بر شمال قفقاز و ایران - که ت می‌کرده به این شعر قطران توجه نکرده است:

نحس گردون بر بداندیشان تو پیوسته شد / ایست پیوسته همی در شهرهای گرگری

در این بیت یا چکامه مشخص است که گرگر فقط در آذربایجان به عنوان ده کوچکی نبوده بلکه شهرها و ممالک مختلف گرگر در سمت شمالی ارس بسیار بوده‌اند که در حاکمیت روادیان ازدی و روادیان کردی یا شدادیان بوده‌اند. بنابراین بر ساده‌اندیشی احمد کسروی به راستی جای بسی تأسف است.

البته این فقط احمد کسروی نبوده که نسبت به موجودیت سوابق تاریخی گرگر و گرگریان با عینک بدبینی یا بی‌توجهی نگاه می‌کند بلکه در دوره معاصر نیز این همه تاریخ‌نویس که اوضاع و احوال ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند قطعاً

۱. در هیچ فرهنگی گرگری به معنی پادشاه پیدا نشد (مؤلف).

در آثار مربوط به مورخین و جغرافیدانان اسلامی و دوره‌های باستان مانند موسی خورنی و استرابون و... به مناطق کوچکتري برخورد کرده‌اند ولی به سادگی از کنار آن عبور نموده‌اند و به میراث‌های تاریخی کشورمان ایران که در تاریخ‌خانه تاریخ بایگانی یا پنهان شده‌اند، توجهی نکرده‌اند.

بجاست که افراد فرهیخته و دارای توان علمی، با یاری گرفتن از باستان‌شناسان و سازمان میراث فرهنگی به بررسی‌های تاریخی این مناطق کوچکتر البته بدون حبّ و بغض و تعصب به واقعیت‌های موجود بپردازند و شناسنامه تاریخی زادگاه خود و آباء و اجدادی و هم‌نوعان خود را به منصفه ظهور بنشانند.

در ادامه باید به استحضار خوانندگان محترم برسانم این کتاب با عنوان گرگر و گرگریان در نهان‌خانه تاریخ و با تحلیل بر اوضاع و احوال تاریخی منطقه ارس، جلفا و لیوارچن صرف‌نظر از تحلیل‌های خود نگارنده از منابع مستدل و موثق تحقیق و تألیف شده است و به جرأت می‌توان گفت تمام منابع موجود تاریخی قابل دسترس در این راستا مورد استفاده قرار گرفته است.

بجاست از همکاری و پشتیبانی جناب آقای مالک ملکی که همواره مشوق اینجانب در تدوین این مجموعه بودند و سایر دوستان مراتب سپاسگزاری خود را اعلام نمایم.

محمدباقر مداحی

۱۳۹۷ ماه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	بخش اول- گرگر و گرگریان در نهان‌خانه تاریخ
۱۵	فصل اول- حمله آشوریان به اورارتوومان و قرارگاه گرگریان
۲۳	فصل دوم- گرگر یکی از اسامی چهارگانه چچنها در قرن اول میلادی
۲۷	فصل سوم- سکاسا و مهاجرت آنان به جنوب ارس و آذربایجان مرکزی
۳۱	فصل چهارم- گرگرهای ران (آلبانی)
۳۵	فصل پنجم- اقوام و مذاهب قبایل جبل قبیخ، گرگرداج (کرکنداج)
۴۵	فصل ششم- مهاجرت‌های تازیکنان «آراب بدون» به ایران
۴۹	فصل هفتم- حمله تازیکان پس از ظهور اسلام به ایران
۵۳	فصل هشتم- روادیان تازی و روادیان کردی
۷۱	فصل نهم- گرگرها و آمازون‌ها (ماجرای سارومات‌ها)
۷۷	فصل دهم- گرگرهای امروزی
۸۹	فصل یازدهم- تحلیلی از مطالب گذشته در مورد گرگر
۹۵	فصل دوازدهم- گرگر هادی‌شهر تبریز (ضلع جنوبی ارس) به‌عنوان امپرنشین تومان مرند
۱۰۱	فصل سیزدهم- امرای محال گرگر
۱۲۱	فصل چهاردهم- چند جمله درباره مردم گرگر
۱۲۵	فصل پانزدهم- عباس میرزا

۱۲۹	بخش دوم- تحلیلی بر اوضاع و احوال تاریخی ارس، جلفا و لیوارجان
۱۳۱	فصل اول- ارس
۱۴۱	فصل دوم- جولاهه یا جولاه (جلفا)
۱۵۱	فصل سوم- لیوارجان
۱۶۹	فصل چهارم- روس‌ها در ایران چه اهدافی را دنبال می‌کردند؟
۱۸۹	فهرست اعلام
۲۰۵	تصاویر
۲۱۷	منابع و مأخذ